

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلاة والسلام على سيدنا و نبينا أبي القاسم المصطفى محمد و على أهل بيته الطيبين الطاهرين و اللعن على اعدائهم أجمعين.

گفتیم که مرحوم محقق حلی (ره) یک استطرادی مطرح کرد در مسئله اجرت بر قضاء و وارد بحث اجرت شاهد شد به مناسبت ما هم این فرع را بحث کردیم و؛ در این بحث نتیجه کلی از مباحث که در این جلسات متعدد مطرح گردید این شد که اگر شاهدی ولو این که شهادت بر او واجب باشد چون از واجبات عبادیه نیست، اگر عمل او عندالعرف دارای یک اجرتی باشد شبیه واجبات نظامیه خواهد بود و بعید نیست که مطالبه اجرت از سوی شاهد هم خالی از اشکال باشد.

نکته دوم که نتیجه گرفتیم این بود که اگر برای ادای شهادت به این که شاهد، مبالغی را بابت کرایه وسیله نقلیه یا هزینه سکونت در محل پردازد نیاز باشد این که این مخارج را از مشهود له مطالبه کند، خالی از وجه نیست.

و دیگر این که چون اداء شهادت در فرض ما از واجبات مالیه نیست، بذل مال بر شاهد واجب نیست و همچنین تحمل ضرر هم بر شاهد واجب نیست، در این صورت اگر طرف شغلی دارد که اگر آن را بخواهد رها کند، متضرر می شود می تواند بگوید من ممتنع از شهادت نیستم ولی ضرری که این آمد و رفت بر من تحمیل می کند را باید پردازد.

دیگر این که نتیجه گرفتیم اگر اقدام مشهود علیه در راستای انکار حق موجب شده باشد که مشهود له به ناچار تمسک به شهادت شهود کند و از این جهت متضمن خسارت بشود بعید نیست که از باب تسبیب در تفویت مشهود له بتواند این خسارت را که به شاهد پرداخته، البته در حد متعارف آن، از مشهود علیه مطالبه کند و اگر موضوع شهادت راجع به مسائلی باشد که منافع عامه و منافع جامعه در آن مطرح باشد، مثل مسائل کیفری و آن چه که به امنیت عمومی برمی گردد و مشهود له خاص مثل دعاوی مدنی موجود باشد این جا هم بگوییم، شاهد

می تواند هزینه رفت و آمد و خسارت ترک شغل را از بیت المال مطالبه کند و در واقع این جا مشهود له مجتمعه و جامعه است و کل مردم هستند و یک شخص به خصوص نیست.

خروجی این بحثی که داشتیم اگر بخواهیم بر مقررات فعلی تطبیق کنیم به نکاتی می رسیم.

با عنایت به ماده 247 قانون آیین دادرسی مدنی هرگاه گواه برای حضور در دادگاه درخواست هزینه آمد و رفت و جبران خسارت حاصل از آن را بنماید، دادگاه میزان آن را معین و استناد کننده را به تأدیه آن ملزم می نماید. پس در این حد که این مخارج از سوی شاهد قابل مطالبه است و مشهودله مسؤول پرداخت آن خسارات است، صحیح و مطلب درستی است ولی یک سکوتی هست که خوب بود، نباشد و آن هم این که در فروضی امکان مراجعه مشهود له به مشهود علیه برای بازدریافت خساراتی که مشهود له به شاهد داده باید پیش بینی می شد که در قانون نیامده است.

نکته دیگر این که از این ماده استفاده می شود اصل ادای شهادت اجرتی ندارد، که با توجه به نتایجی که از مباحث فقهی به دست آمد با این بحث در تغایر خواهد بود.

همچنین از قانون استفاده می شود، شاهد قبل از ادای شهادت حق مطالبه وجهی را بابت خرج کردن خودش ندارد و بعد از این که در دادگاه آمد و شهادت داد الان می تواند بگوید که خرج و هزینه را بدهید که این هم با واجب مالی نبودن شهادت سازگار نیست، وقتی چیزی بر کسی واجب مالی نیست از همان اول بذل مال بر آن واجب نیست، یعنی در واقع شاهد باید بتواند از همان ابتدا بلیط که می خرد و هزینه سکونت و هزینه های این چنینی را مطالبه کند نه این که اول هزینه کند و بعد نزد بازپرس مطالبه کند.

نکته دیگر این است که بر اساس آنچه از ماده 247 قانون آیین دادرسی مدنی استفاده می شود، این قانون راجع به هزینه ترک شغل شاهد، ساکت است در حالی که بر مبنای قواعد فرقی بین امر کیفری و مدنی نیست ولی الان در آیین دادرسی مدنی خسارت ترک شغل شاهد دیده نشده در حالی که در ماده 215 قانون آیین دادرسی کیفری دیده شده است، درحالی که شاید در مدنیات این مطالبه انطباق باشد چون در کیفریات شاید بتوان گفت بر شاهد لازم است که برای حفظ امنیت بدون دریافت خسارت ترک شغل، شهادت بدهد در حالی که در امور مدنی، زید می خواهد به آلف و الوف خود برسد آن وقت برای خسارت ترک شغل شاهد در قانون مزبور، چیزی پیش بینی نشده است.

هرچند شاید از کلمه خسارت در ماده 247، بتوان خسارت ترک شغل را نیز برداشت کرد به این صورت که بگوییم عبارت «خسارت ناشی از آن...» منظور خسارت ناشی از اصل شهادت است تا شامل خسارت ترک شغل بشود، ولی خوب بود همچون ماده 215 قانون آیین دادرسی کیفری تنصیص به ذکر می شد.

البته می توان گفت اشکالی که در ماده 247 یاد شده بود که شاهد بعد از هزینه کردن می توانست مطالبه کند، در قانون آیین دادرسی کیفری برطرف شده است چون گفته شاهد یا مطلع می تواند برای حضور درخواست هزینه کند... و این که می گوید به صندوق دادگستری واریز می کند برای اطمینان شاهد یا مطلع است که تضمین داشته باشد ولی این که شهادت بدهد و بخواهد برود و پولی نداشته باشد این ظاهرا از ماده 215 استظهار می شود که آن اشکال برطرف شده است و ضمن این که خسارت ترک شغل هم در آن تنصیص به ذکر شده بر خلاف ماده 247 و نقطه قوت آن است.

اما این که شاکی را در ماده 215 مسؤول تأدیه معرفی کرده بدون این که امکان رجوع شاکی به متهمی که با انکار عالمانه تسبیب به تفویت کرده پیش بینی نشده همان اشکالی است که در قانون آیین دادرسی مدنی نیز وجود دارد.

اما این که در همین ماده 215 در فرض اعسار شاکی (جایی که شاکی گفت پرداخت هزینه شاهد در توان من نیست) از بیت المال پرداخت می شود، می توان از آن دفاع کرد به جهت این که در مسائل کیفری کل جامعه از نتیجه حکم منتفع می شوند لذا بیت المال که «یعد للمصالح العامه» می تواند در این زمینه مورد استفاده قرار بگیرد بنابراین بلاشکال است که در این فرض از بیت المال تأدیه شود نیز متکی به همان دلایل است اما این که به موجب این ماده در فرضی که احضار شاهد به درخواست شاکی نباشد هزینه شاهد از بیت المال گرفته می شود. ولی قانون گذار باید تصریح می کرد که در پرونده جزایی که اصولا با شکایت شاکی شروع نمی شود در آنجا هم اگر نیاز به شاهد بود باید از بیت المال هزینه های شاهد پرداخت می شود.

و الحمد لله رب العالمین